# فهرست مطالب:

[خطبه اول 3](#_Toc429920339)

[شرحی مختصر درباره پیامبر اکرم (ص) 3](#_Toc429920340)

[یکتاپرستی 3](#_Toc429920341)

[درست‌کردار 3](#_Toc429920342)

[دعوت پنهانی 4](#_Toc429920343)

[پایگاه اسلام 4](#_Toc429920344)

[برخورد قریش با پیامبر (ص) در مرحله‌ی نخست دعوت 4](#_Toc429920345)

[دعوت همگانی 5](#_Toc429920346)

[عصر بعثت 5](#_Toc429920347)

[مخالفت قریش و آزار مسلمانان 5](#_Toc429920348)

[بعثت از دیدگاه امام خمینی (ره) 6](#_Toc429920349)

[آمادگی پیامبر اسلام پیش از بعثت 6](#_Toc429920350)

[سیرت محمد (ص) 6](#_Toc429920351)

[شجاعت پیامبر(ص) 7](#_Toc429920352)

[گذشت پیامبر(ص) 7](#_Toc429920353)

[عبادت پیامبر(ص) 7](#_Toc429920354)

[خوش‌رویی پیامبر(ص) 8](#_Toc429920355)

[پایداری پیامبر(ص) 8](#_Toc429920356)

[رابطه‌ی صمیمی پیامبر(ص) 8](#_Toc429920357)

[مردمی زیستن پیامبر(ص) 9](#_Toc429920358)

[پرهیز از تشریفات 9](#_Toc429920359)

[بیزاری از بت و بت‌پرستی 9](#_Toc429920360)

[رسالت جهانی 10](#_Toc429920361)

[تشریع نماز 10](#_Toc429920362)

[اخلاق عالی 11](#_Toc429920363)

[ابلاغ رسالت اسلام 11](#_Toc429920364)

[شکوفه نبوت 11](#_Toc429920365)

[سرچشمه نور 12](#_Toc429920366)

[عشق به نماز 12](#_Toc429920367)

[جلوه‌ی خدا 12](#_Toc429920368)

[درس‌آموز رحمت و مهر 13](#_Toc429920369)

[بعثت از دیدگاه امام علی علیه‌السلام 13](#_Toc429920370)

[خطبه دوم 14](#_Toc429920371)

[ماه رمضان، فرصتی معنوی و زودگذر 14](#_Toc429920372)

[شب عید فطر و آمادگی روحی برای روز عید 15](#_Toc429920373)

[ماه بی‌پایان 15](#_Toc429920374)

[وداع جانکاه 16](#_Toc429920375)

[واقعه 19 دی،حماسه جاوید 16](#_Toc429920376)

[حضور همه اقشار 17](#_Toc429920377)

[آثار و نتایج قیام 19 دی 17](#_Toc429920378)

[رسالت نسل نوزده دی 17](#_Toc429920379)

[دعا 18](#_Toc429920380)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[2]](#footnote-2) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# شرحی مختصر درباره پیامبر اکرم (ص)

# یکتاپرستی

حضرت محمد (ص) از لحظه‌ای که از مادر متولد شد، جز خدای یکتا را نپرستید و سرپرستان او مانند عبدالمطلب و ابوطالب، همگی موحد و خداپرست بودند. حتی پیامبر، خود هنگام مذاکره با بحیرا؛ راهب بصری، تنفر خود را از بت‌ها، پنهان نکرد. آنگاه‌که راهب به او گفت: تو را سوگند می‌دهم به‌حق لات و عزی، مرا ازآنچه می‌پرسم، پاسخ‌گو، رسول گرامی به او پرخاش کرد و گفت: هرگز مرا به لات و عزّی سوگند مده. در جهان نزد من، چیزی مانند پرستش آن دو، ناپسند نیست. آنگاه راهب گفت: تو را به خدا سوگند می‌دهم ازآنچه می‌پرسم، مرا آگاه کن. این بار رسول خدا فرمود: آنچه می‌خواهی بپرس.

# درست‌کردار

بی‌شک، محمد (ص) از همان دوران کودکی، خوبی‌ها و خصلت‌هایی داشت که او را از دیگر کودکان جدا می‌کرد. در جوانی نیز ازآنچه بیشتر قوم او بدان آلوده بودند، برکنار بود. راست‌گو، درست‌کردار و امین بود. درونی پاک و روشن و فکری درخشان و ضمیری الهی داشت. آن گرامی، هرسال چند بار در غار حرا به عبادت خدا می‌پرداخت. امیر مؤمنان، حضرت علی علیه‌السلام دراین‌باره می‌فرماید: پیامبر (ص) هرسال در کوه حرا اقامت می‌گزید. من او را می‌دیدم و جز من، کسی او را نمی‌دید. حتی روزی که به رسالت برگزیده شد، در غار حرا سرگرم عبادت بود.

# دعوت پنهانی

پیامبر گرامی اسلام (ص)، سه سال تمام به دعوت پنهانی دینش پرداخت. او در این مدت، به‌جای توجه به عموم، به فرد سازی عنایت داشت. مصلحت زمانه ایجاب می‌کرد که دعوت خود را آشکار نسازد و با تماس‌های پنهانی، گروهی را به آیین خود دعوت کند. همین دعوت پنهانی، بعدها توانست جمعی را به آیین توحید، علاقه‌مند سازد.

# پایگاه اسلام

هنگامی‌که عدد مسلمانان به سی تن رسید، حفظ عنصر پنهانی بودن دعوت، دچار مشکل گردید و امنیت کوه‌های مکه برای پرستش نخستین موحدان، مورد تهدید و تعرض مشرکان قرار گرفت. بنابراین، پیامبر اکرم (ص)، پایگاه تبلیغ پیام و پرستش خدای متعال را به خانه‌ ارقم، انتقال داد. عمار یاسر و صهیب سنان ازجمله کسانی هستند که در آن خانه، به رسول گرامی اسلام، ایمان آوردند.

# برخورد قریش با پیامبر (ص) در مرحله‌ی نخست دعوت

سران قریش در مدت سه سال دعوت پنهانی پیامبر اکرم (ص)، به خوش‌گذرانی عیش و نوش خود، سرگرم بودند. آنان کم‌وبیش از دعوت پنهانی رسول خدا آگاهی یافته بودند، ولی کوچک‌ترین واکنشی نشان ندادند و جسارتی نمی‌کردند؛ زیرابه این مسئله، چندان اهمیت نمی‌دادند و احساس خطر نمی‌کردند. البته از دور، ماجرا را پی گیری می‌کردند و خبرها را به یکدیگر گزارش می‌دادند و می‌گفتند: جوان عبدالمطلب از آسمان، سخن می‌گوید. پیامبر گرامی نیز بدون شتاب‌زدگی، در تبلیغ آیین خود می‌کوشید. او آیین خود را به هر کس که احساس آمادگی می‌کرد، عرضه می‌داشت. پیامبر در این سه سال توانست با تماس‌های خصوصی، هسته‌ی مرکزی حزب‌الله را تشکیل دهد. سپس به‌فرمان خدا، روش تبلیغ خود را دگرگون ساخت.

# دعوت همگانی

پس از انذار خویشاوندان نزدیک و گسترش خبر نبوّت محمد در سطح مکه، تعرض قریش به رسول اکرم (ص) آغاز گردید. هنگامی‌که قریش جدی بودن خطر این مسئله را برای عقاید پوشالی و منافع مادی خود، دریافتند سیل تهمت‌ها را روانه‌ی آن حضرت ساختند. همه‌ی این حرکت‌های مزورانه که منشأ جز حسد و دیگر رذایل اخلاقی نداشت، برای کوچک جلوه دادن مکتب پیامبر و درهم کوبیدن شخصیت او، صورت می‌گرفت. از این هنگام، پیامبر نیز مأموریت یافت آشکارا، مردم را به آیین توحید دعوت کند و از استهزای مشرکان نهراسد. خداوند دراین‌باره فرمود: مأموریت خود را آشکارساز و از مشرکان کناره‌گیر. ما تو را از شر دشمن استهزا گر، حفظ می‌کنیم.

# عصر بعثت

جهان عصر بعثت، جهانی تاریک بود. خداوند، پیامبر گرامی اسلام (ص) را هنگامی فرستاد که از دیرباز، پیامبری نیامده بود. ملت‌ها در خواب طولانی فرورفته بودند و سررشته‌ کارها ازهم‌گسیخته بود. جهان در تاریکی جهل و گناه و آتش جنگ فرورفته بود. چهره‌ی آن تیره شده و فریب‌کاری آن آشکار گشته بود. برگ‌های درخت زندگی بشر به زردی گراییده بود و امیدی به ثمر دادن آن نبود. در این زمان که فروغ هدایت، خاموش گشته و بدبختی، چهره‌ی زشت خود را نمودار ساخته بود، این فساد، تیره‌روزی، فتنه، آشوب و ترس، دل‌های مردم را فراگرفته بود. ازاین‌رو، پناه گاهی جز شمشیر خون‌آشام نداشتند. در چنین فضایی، خداوند بر مردم منت نهاد و اسوه و الگویی را برای مردم فرستاد تا درس زندگی را به آنان بیاموزد و همگان را به شاهراه حقیقت و سعادت رهنمون شود.

# مخالفت قریش و آزار مسلمانان

در آغاز دعوت، رفتار قریش، نسبت به پیامبر (ص)، به‌ظاهر ملایم بود؛ یعنی با بی‌اعتنایی و انکار و گاهی استهزا همراه می‌شد. ولی هنگامی‌که رسول گرامی اسلام، از بت‌ها بدگویی کرد، کار به خشونت کشید. آنان دو بار برای شکایت به دیدار ابوطالب رفتند و چون نتیجه‌ای نگرفتند، به آزار پیروان پیامبر پرداختند. آنان نسبت به همه‌ی پیروان پیامبر ستم روا می‌داشتند، اما سنگینی این تعرض بیشتر بر دوش افراد ضعیف و اشخاص بی‌یاور بود.

# بعثت از دیدگاه امام خمینی (ره)

بی‌شک برگزیده شدن پیامبر گرامی اسلام (ص) به رسالت، حادثه‌ای عظیم در تاریخ بشر است. به فرموده‌ی امام خمینی (ره): حادثه‌ای بزرگ‌تر از این حادثه، اتفاق نیفتاده است. حوادث بسیار بزرگ در دنیا اتفاق افتاده است؛ بعثت انبیای بزرگ، اولوالعزم و بسیاری از حوادث بسیار بزرگ، لکن حادثه‌ای بزرگ‌تر از بعثت رسول اکرم نشده است و تصور هم ندارد که بشود؛ زیرا که بزرگ‌تر از رسول اکرم در عالم وجود نیست، غیر از ذات مقدس حق‌تعالی، و حادثه‌ای بزرگ‌تر از بعثت هم نیست. درباره‌ی بعثت حضرت به رسالت و نیز برکات آن زبان امثال ما الکن است که سخن بگوید. همین‌قدر می‌دانیم که معارفی که به برکت بعثت حضرت، حاصل‌شده است، از حد بشریت خارج است. اعجازی فوق ادراک بشریت است.

# آمادگی پیامبر اسلام پیش از بعثت

حضرت محمد (ص) همیشه به‌ویژه آنگاه‌که به اوج رشد فکری و عقلی رسیده بود، از وضعیت محیط آلوده‌ی خویش در رنج بود و از مردم کناره‌گیری می‌کرد. او از سی‌وهفت‌سالگی، حالت‌های روحانی داشت و احساس می‌کرد دریچه‌ای از غیب به روی او گشوده می‌شود و آنچه بارها از اعضای خاندانش و نیز دانشمندان اهل کتاب مانند بحیرا، نستور و دیگران شنیده، در حال رخ دادن است. وی، نور مخصوصی می‌دید و اسراری بر او فاش می‌شد و بارها سروش غیبی به گوشش می‌رسید، ولی کسی را نمی‌دید. برای مدتی، در خواب صدایی می‌شنید که او را پیامبر خطاب می‌کرد. روزی در بیابان‌های اطراف مکه، شخصی او را رسول‌الله صدا کرد. از او پرسید: کیستی؟ او پاسخ داد: من جبرییلم. خداوند مرا فرستاده است تا تو را به پیامبری برگزیند. هنگامی‌که محمد (ص)، این مسئله را به همسرش، خدیجه خبر داد، او با خوشحالی گفت: امیدوارم چنین باشد.

# سیرت محمد (ص)

بی‌شک، آنچه محمد (ص) را یگانه می‌کرد، سیرت او بود. قرآن، گذرا به این سیرت، اشارتی برجسته می‌کند که با اندیشه در آن‌ها و مطالعه‌ی آنچه تاریخ‌نگاران در این باب گفته‌اند، تصویری نسبتاً دقیق از سیرت آن حضرت می‌توان ترسیم کرد. قرآن کریم با صراحت می‌فرماید: محمد (ص) الگویی نیک برای مسلمانان است و هر کس خواهان خیر دنیا و آخرت باشد، باید بکوشد او و حرکاتش را نصب‌العین خود قرار دهد و همواره در پی محمدی شدن باشد.

# شجاعت پیامبر (ص)

یکی از ویژگی‌های آشکار رسول اکرم (ص)، شجاعت ایشان بود؛ شجاعت در همه‌ی عرصه‌ها، درزمینه‌ی ابلاغ رسالت، دفاع از آرمان خود و جانبازی درراه تحقق آن. حضرت علی علیه‌السلام که خود مظهر شجاعت و اسدالله است، درباره‌ی شجاعت پیامبر اکرم (ص) چنین می‌فرماید: هنگامی‌که آتش جنگ تافته می‌شد و کارزار دشوار می‌گشت، به پیامبر اکرم (ص) پناه می‌بردیم و او را سپر خود می‌کردیم. در آن هنگام او از همه‌ی ما به دشمن، نزدیک‌تر بود.

# گذشت پیامبر (ص)

رسول اکرم (ص) هرگز در پی انتقام گرفتن از دشمنان خود نبود. برعکس، پس از دست یافتن بر آن‌ها و تسلط بر شبه‌جزیره و فتح مکه، آنان را بخشود و به مقابله‌به‌مثل، دست نزد.

ابوسفیان، فرمانده‌ی مشرکان در جنگ‌های بدر و احد و احزاب بود. ولی از فکر و ثروت خود برای نابود کردن دعوت محمد (ص) مایه می‌گذاشت و در مبارزه با محمد (ص) اندک تردیدی نداشت. هر جا سخن از توطئه بود، او نیز حضور داشت. همسرش هند نیز از مشوّقان او و دشمنان پیامبر اکرم (ص) بود. هم او بود که وحشی را تشویق کرد تا حمزه سیدالشهدا را در جنگ احد بکشد و در عوض، حکم آزادی خود را دریافت کند. همین هند بود که همراه با چند زن دیگر در جنگ احد شرکت کرد و مشرکان را به مبارزه با محمد (ص) برمی‌انگیخت. پس از به شهادت رسیدن حمزه نیز پهلویش را شکافت و جگرش را بیرون کشید. سپس از شدت خشم و کینه، آن را به دندان خایید. امّا پیامبر در برابر این‌همه کینه‌توزی چه کرد؟ هنگام فتح مکه، اعلام کرد که هرکس در خانه‌ی خود بماند، در امان است. هرکس به خانه‌ی خدا برود، در امان است و هرکس به خانه‌ی ابوسفیان برود، نیز در امان است.

# عبادت پیامبر (ص)

پیامبر اکرم همواره یک دوست و حامی بزرگ داشت. آن‌که از کودکی در پناه خود، از همه‌ی گزندها نگاهش داشته، به او شرح صدر داده و او را به سیادت و بزرگی قوم خود رسانده بود. پیامبر (ص) نیز این دوستی را پاس داشت و همیشه با او راز و نیاز می‌کرد. مقام نبوت و حفظ آن نیاز به آمادگی داشت و این آمادگی تنها با عبادت به دست می‌آمد. دوست بزرگ محمد (ص) به او وحی کرد که: «نصف یا بیش از نیمی از شب را بیدارباش و قرآن را شمرده و روشن بخوان، زیرا ما سخنی سنگین بر تو فرو خواهیم فرستاد. شب‌زنده‌داری و عبادت شبانه، گام‌ها را استوارتر و گفته را نیرومندتر می‌کند. پیامبر خدا (ص) این دستورها را به یادداشت و به آن‌ها عمل می‌کرد. اندکی از شب را می‌خفت و بیشتر آن را به نماز و تلاوت قرآن مجید می‌پرداخت و با این غذای معنوی، خود را نیرومند می‌کرد.

# خوش‌رویی پیامبر (ص)

سنگین بودن مسؤولیت رسالت، مانع از خوش‌رویی حضرت نمی‌شد و ایشان حتی اگرچه غمگین بودند، آثار آن را ظاهر نمی‌کرد و همواره خندان بود. ایشان با این رفتار به کسانی که جدی بودن را در اخم و خشونت چهره می‌دانستند، آموخت که مؤمن باید خندان باشد. وی همیشه با دوستان و اصحاب خود شوخی می‌کرد. البته این شوخی‌ها بسیار ظریف و خردمندانه بود و هرگز از مرز عفاف و اخلاق خارج نمی‌شد. در حقیقت، این خوش‌رویی و اخلاق والا بود که مردم را شیفته‌ی حضرت کرد و از آنان، امتی یگانه و مردمی مهربان پدید آورد که باهم برادروار می‌زیستند؛ مردمی که به تعبیر قرآن کریم، دلسوز و مشفق یکدیگرند، اما در برابر دشمنان، سرسخت و استوار.

# پایداری پیامبر (ص)

پیامبر گرامی اسلام (ص) در طول دعوت هرگز دچار ضعف و سستی نشد. ایشان چون کوهی استوار به‌فرمان خدای متعال که به ایشان وحی کرد: همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، پایداری کن، در برابر مشکلات، دشمنان و سختی‌ها پایداری کرد و رسالت خود را به انجام رساند.

# رابطه‌ی صمیمی پیامبر (ص)

رسول خدا هیچ‌گاه از یاران خود غافل نمی‌ماند و رابطه‌ها را هم چنان زنده و قوی نگاه می‌داشت. به روایت امام علی علیه‌السلام: هرگاه، کسی از برادران دینی‌اش را سه روز نمی‌یافت و در جمع مسلمانان نمی‌دید، سراغ او را می‌گرفت. پس اگر غایب و در سفر بود، برایش دعا می‌کرد. اگر شاهد و در شهر حاضر بود، به دیدارش می‌شتافت، و اگر بیمار بود، به عیادتش می‌رفت. این رفتار، نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ای صمیمی‌تر از برخورد سیاسی یک مسئول با زیردستان یا رهبر با ملت خویش است. البته اخوت دینی نیز همین یکدلی و صفا و محبت را ایجاب می‌کند.

# مردمی زیستن پیامبر (ص)

آنچه رسول اکرم (ص) را به مردم نزدیک می‌ساخت و سبب می‌شد که با او احساس خودی کنند، رفتار مردمی و اخلاق فروتنانه و بی‌تکلف او بود. هرچند آن فرزانه ازنظر اندیشه، دانش، عصمت، پاکی و فضایل روحی و معنوی، در سطحی بسیار بالاتر از مردم بود و افراد عادی با افق معنویت و کمال وجودی او بسیار فاصله داشتند، اما معاشرت و برخورد رسول خدا (ص) به‌گونه‌ای بود که هنگام سخن گفتن در سطح مردم سخن می‌گفت و در معاشرت با توده‌ی مردم خود را هم‌افق می‌ساخت. در روایت آمده است که: با تهی‌دستان، هم‌نشین و با بی‌نوایان، هم‌غذا می‌شد. زید بن ثابت نقل می‌کند: رسول خدا (ص) چنان بود که هرگاه در خدمت او می‌نشستیم، اگر به سخن گفتن در یاد آخرت می‌پرداختیم، در همان موضوع، با ما هم‌صحبت می‌شد، و اگر به دنیا می‌پرداختیم، او هم با ما از دنیا، سخن می‌گفت. اگر از خوردنی و نوشیدنی سخن می‌گفتیم، آن حضرت نیز درباره‌ی همان با ما به سخن می‌پرداخت. این نهایت مردمی زیستن آن بزرگوار بود و خود را تافته‌ای جدا بافته از مردم نمی‌دانست.

# پرهیز از تشریفات

رسول گرامی اسلام (ص) در مجلس‌ها، جای خاصی برای خویش تعیین نمی‌کرد و در قیدوبند صدرنشینی در مجلس نبود. هر جا که بود، می‌نشست ویاران خود را نیز به همین مسئله، فرمان می‌داد. روی زمین می‌نشست و روی زمین غذا می‌خورد. به همه یکسان نگاه می‌نگریست تا کسی در نگاه و توجه به مخاطب، احساس تبعیض نکند. ابوذر غفاری نقل می‌کند: رسول خدا میان اصحاب می‌نشست و گاهی که فردی غریب و ناشناس می‌آمد و آن حضرت را نمی‌شناخت، از جمع می‌پرسید که پیامبر، کدام‌یک از شماست؟ به همین دلیل، از رسول خدا درخواست کردیم اجازه دهد که جایگاهی برایش بسازیم تا آنجا بنشیند و افراد غریب، او را بشناسند. با موافقت پیامبر، سکو مانندی از گل برایش بنا کردیم که آن حضرت روی آن می‌نشست و ما هم در دو طرف پیامبر می‌نشستیم.

#  بیزاری از بت و بت‌پرستی

همه به‌سوی بتکده می‌رفتند، ولی محمد (ص) بااینکه از کسی، درسی فرانگرفته بود، راه کوه حرا را در پیش می‌گرفت. و آنجا در مقابل قدرت و عظمت آفریدگار جهان، خاکسار می‌شد و او را می‌پرستید. محمد (ص) در پرتو عنایت‌های خداوند از همان ابتدا، راه خود را تشخیص داد و بی‌هیچ اضطراب و تردیدی، روش‌های نادرست قوم خود را نکوهش کرد و برخلاف آن سنت‌های غلط، گام برداشت. او نه‌تنها لحظه‌ای از عمر شریفش را به بت‌پرستی نگذراند، بلکه از شنیدن نام آن‌ها نیز بیزار بود. بدین ترتیب، محمد (ص) شیفته‌ی سنن و عادت‌های قومی نمی‌شد و با نظارت عامل غیبی به تکامل خود ادامه می‌داد. به همین دلیل، مردم به او، احترام می‌گذاشتند و در حل مشکلات به رأی و نظر او، اهمیت زیادی می‌دادند و از وی، پیروی می‌کردند.

# رسالت جهانی

اسلام از روز نخست، چون چشمه‌ای صاف و زلال ظاهر شد. آنگاه رفته‌رفته بر پهنا و ژرفای آن افزوده گشت. سرانجام به دریایی پهناور بدل گشت که همه‌ی سرزمین‌ها را آبیاری کرد و انسان‌ها را سیراب ساخت. آری، آنگاه‌که شعار توحید، در فضای تاریک مکه، طنین انداخت، نظر پرچم‌دار این نهضت، تنها اصلاح منطقه‌ای حجاز و گروه عرب نبود، بلکه رسول اسلام مأمور بود رسالت جهانی خود را از محیط عربستان آغاز کند. شاهد آن نیز جمله‌ای است که آن حضرت در آغاز دعوت عمومی خویش به نزدیکانش فرمود: همانا من فرستاده‌ی خدایم به‌سوی خصوص شما و به‌سوی عمومی مردم. هم‌چنین، آیاتی از قرآن این حقیقت را تأیید می‌کند. برای نمونه، از سوره‌ی اعراف، انبیا و انعام به دست می‌آید که دعوت آن حضرت از روز نخست، برای عموم مردم در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها آغاز گردیده و طرح‌ریزی‌شده است.

# تشریع نماز

نخستین چیزی که پس از توحید و یکتاپرستی بر پیامبر اسلام و پیروان او واجب شد، نماز بود. از همین‌جا، عظمت نماز که اساس ارتباط انسان باخدا و نشانه‌ی قدردانی از نعمت‌های بی‌پایان اوست، آشکار می‌شود. به همین دلیل، پیشوایان اسلام به‌ویژه پیامبر گرامی، درباره‌ی نماز، سفارش‌های بسیار می‌کردند و می‌گفتند: نماز ستون دین است. اگر کسی نماز را سبک بشمارد، در آخرت و سرای جاویدان به دستگیری و شفاعت ما نمی‌رسد. به هر صورت، خداوند به‌وسیله‌ی جبرییل، کیفیت نماز و شرایط آن را اعلام کرد. پس محمد (ص) آن را به خدیجه و علی علیه‌السلام یاد داد و نماز دسته‌جمعی را که نماز جماعت نامیده می‌شود، برپا کرد.

# اخلاق عالی

آموزه‌های اخلاقی و رفتار پیامبران، بهترین وسیله‌ای است که بشر را به زندگی ایدئال می‌رساند. اخلاق برای زندگی فردی و اجتماعی همه‌ی افراد بشر لازم است، اما برای کسانی که بار مسؤولیت رهبری و هدایت جامعه را به عهده‌دارند، ضروری‌تر به نظر می‌رسد. اخلاق عالی پیامبر اسلام، امواج انقلاب مقدس اسلام را نخست در جامعه‌ی عرب و سپس در جهان پدید آورد. در سایه‌ی این رستاخیز عظیم معنوی، پراکندگی به یگانگی، بی‌پروایی به عفت و پاک‌دامنی، بی‌کاری به کار و کوشش، خودخواهی به نوع‌دوستی و تکبر عرب به تواضع و مهربانی تبدیل گردید و انسان‌هایی تربیت شدند که تا همیشه، نمونه‌های اخلاقی به شمار می‌آیند. اخلاق رسول اکرم (ص) آن‌قدر عالی و پرارزش است که خدا، از آن به خلق عظیم یادکرده است.

# ابلاغ رسالت اسلام

پیشرفت پرشتاب اسلام، بیش از هر چیز مدیون فعالیت‌های پی گیر و شبانه‌روزی پیامبر گرامی (ص) ویاران وفادارش است. رسول خدا (ص) برای تبلیغ اسلام از دونیروی مجهز بهره برد. نخست، گویندگان زبردستی که حقیقت اسلام را دریافته بودند و به آن حضرت، عشق و ایمان داشتند. و دیگر، نامه‌هایی که آینه‌ی تمام نمای آموزه‌های حیات‌بخش اسلام بود.

پیامبر اسلام (ص)، باوجود نداشتن وسایل لازم، پیک‌های خود را به گوشه و کنار جهان فرستاد. اکنون روح پیامبر ما، نگران جامعه‌ی مسلمانان است که چگونه برای تحقق رسالت اسلام خواهند کوشید و آیا برای عمومی کردن آموزه‌های اسلام، از وسایل جدید و طرح‌های نو بهره خواهند گرفت؟ ما برای ابلاغ رسالت جهانی اسلام، باید همه‌ی نیروهای خود را متمرکز کنیم و از فداکاری‌های لازم درراه گسترش اسلام، دریغ نورزیم.

# شکوفه نبوت

مبعث، فصلی بهاری در پهنه‌ی قرن است که محمد (ص) را هم چون گلی زیبا، بر دامن رسالت نهاد سرزمین بطحا، بافروغ چهره‌ی این خورشید، تابان شد. تجلّی خدا در زمین، به گونه‌های مختلف است. 27 رجب، یکی از این جلوه‌های بی‌پایان است که شعاعش تا کرانه‌های ناپیدای زمان، گسترش‌یافته است. در این روز، شکوفه‌ی نبوّت گشوده شد، باغ رسالت به بار نشست و دل نورانی محمد، تجلّی گاه نام و کلام خدای سبحان و آیین اسلام گشت. گل نور از غنچه‌ی امّ القرای، عطر معنویت افشاند و پس از خشک‌سالی دیرپای مزرعه‌ی حیات، باران رحمت در کویر اندیشه‌ها و دل‌های تشنه، باریدن گرفت. محمد آمد. آمد تا کودک بشریت را در آغوش مهر و عطوفت دین قرار دهد. آمد تازندگی‌های مسخ‌شده‌ی مردم را با فطرت آشتی دهد. آمد تا پیام آسمان را بر زمینیان بازخواند. آمد و با آمدنش، تعصب‌ها و تفرقه‌ها رفت. زاده شد تا جهل و جور بمیرد. مبعوث شد تا شرک و بت‌پرستی رخت بربندد، تا جاهلیت از صحنه‌ی زندگی‌ها بگریزد، تا چشم جهان به روی فروغ وحی گشوده شود.

# سرچشمه نور

بعثت تو، روز سرور است و کلامت، سرچشمه‌ی نور. جانِ پاکت، به خدا نزدیک است و پلیدی وزشتی از تو، دور. ای آموزگار خوبی‌ها و نیکی‌ها. حیاتت، فروغ زندگی ابدی است و اخلاقت، چراغ حیات. رفتارت، الگوی زیستن است و آن‌چنان عالی و پسندیده که خدای سبحان، بر آن نشان خلق عظیم کرامت فرمود. آری، در این روز شریف مبعث، حسن خلق تو را یاد می‌کنیم و از اخلاق تو، که اسوه است، سرمشق می‌گیریم و درس می‌آموزیم، تا بدین‌گونه، این روز شریف و جشن شادی‌آفرین را بر خویش مبارک سازیم؛ زیرا برکت در نام و یاد توست وزندگی با عشق و محبت به تو مبارک می‌گردد.

# عشق به نماز

بنده‌ی مخلص خدا بود و نور چشمانش در نماز. آنگاه‌که به نماز می‌ایستاد، از خوف خدا، رنگ‌بر چهره نداشت. در سینه، ناله‌های سوزناک و آوای حزینی داشت. گاه نماز که می‌رسید، دیگرکسی را نمی‌شناخت و به هیچ‌چیز توجه نداشت، جز به نماز و نیایش با معشوق. آن گرامی به نماز عشق می‌ورزید و فرارسیدن وقت نماز را بی‌صبرانه انتظار می‌کشید. هنگام نماز که می‌شد، می‌گفت: ای بلال، مرا خوشحال کن. آری، آن رسول، هیچ‌چیز را بر نماز ترجیح نمی‌داد و به ابوذر می‌فرمود: خداوند، فروغ دیدگانم را در نماز قرار داده است. آن‌گونه که گرسنه، غذا را دوست می‌دارد و تشنه آب را، من هم شیفته‌ی نمازم. با این تفاوت که گرسنه و تشنه، سیر و سیراب می‌شود، اما من از نماز، سیر نمی‌شوم.

# جلوه‌ی خدا

قرآن کریم در معرفی رسول گرامی اسلام (ص)، آن حضرت را با عنوان مظهر خدا معرفی کرده است. بدین معنی که سرتاپای آن حضرت در اثر کمال قرب به‌حق و فنای در ذات اقدس او، نمایان گر نور ربوبی گشته و از خودی و نفسانیت خویش، ذره‌ای نیز باقی نگذارده است. پس نگاه به او، نگاه به نور خداست. محبت او، محبت خدا، پیروی او، پیروی خدا، بیعت با او، بیعت باخدا و هرگونه رابطه با او، رابطه باخدا خواهد بود. این مقام در حد اعلا تنها در وجود مقدس آن حضرت و خاندان مطهرش، تحقق‌یافته است و قرآن در این زمینه، چنین می‌فرماید: همانا آنان که با تو بیعت کنند، باخدا بیعت می‌کنند. و نیز هر کس از پیامبر پیروی کند، از خدا پیروی کرده است.

# درس‌آموز رحمت و مهر

در روز بیست و هفتم ماه مبارک رجب، استاد بزرگ بشریت و اشرف کائنات وبرترین انسان کامل، به پیامبری برانگیخته شد. آن‌هم در چنان محیط خشن و سراسر وحشی‌گری که سنگدلان جاهلیت، با پنجه‌های درشتشان، پاره‌های تن خویش را زنده‌به‌گور می‌کردند و از منش انسانی، هیچ بهره‌ای نبرده بودند. در چنان روزگاران سیاهی که اندیشه‌های مردم نادان در حضیض ذلت قرار داشت، باغبانی دانا به عالم وجود، پا نهاد. وی خس و خاشاک را به گل‌های لطیف و میوه‌های شیرین، بدل کرد. خارهای دست و پاگیر را با سلاح ایمان و توکل از میان برداشت و به‌جای آن، درختانی سرسبز کاشت که اینک، در اعماق زمین، ریشه دوانیده و شاخه‌هایش سر به فلک کشیده است. رسول خدا از بیابان‌گردانی سنگدل و نادان که به‌جای پرستش خالق یکتا، با دست خود از خاک و شن و خرما، بت‌های بی‌جان و خرد می‌ساختند و در برابر آن تعظیم می‌کردند، انسان‌هایی پدید آورد که تا همیشه‌ی تاریخ، سرمشق خوبان جهان و مهرجویان زمین خواهند بود.

# بعثت از دیدگاه امام علی علیه‌السلام

از بعثت پیامبر، این راز آفرینش و واسطه‌ی وجوب و امکان و انسان کامل چه بگوییم که هر چه تلاش کنیم، نمی‌توانیم واژه‌ای بیابیم که آن را بشناساند و یا به زبان آشنا ترجمه کند؛ جز از زبان کسی که در دامان محمد (ص) تربیت‌یافته و در آغوش او درس جاودانه بودن را آموخته است. به گفته‌ی خود رسول‌الله، جز او و خدایش، کسی او را نشناخته است. آری، علی علیه‌السلام باید بعثت پیامبر را بیان کند. هم او که کعبه‌ی آمال عارفان و قبله پارسایان است. علی باید بعثت رسول‌الله (ص) را توضیح دهد؛ زیرا او آینه‌ی تمام نمای محمد است و همه‌ی اشعه‌ی تابناک علم و عمل و اخلاق و منش پیامبر در وجودش بازتاب یافته است. اینک فراز سخن را به نخستین استاد فصاحت و بلاغت می‌سپاریم. آن عزیز دراین‌باره می‌فرماید: خدا، محمد (ص) را برانگیخت، درحالی‌که کسی از عرب، کتابی نخوانده و کسی، ادعای پیامبری نکرده بود. محمد (ص) مردم را به راه راست فراخواند و آنان را به آن‌سوی کشاند و به رستگاری رساند، تا آن‌که کارشان، استوار و جمعیتشان برقرار گردید. آن حضرت در جای دیگر چنین می‌فرمایند: مردم در آن زمان از گروه‌های مختلف و نژادهای گوناگون تشکیل یافته بودند. گروهی خدا را به آفریده‌هایش تشبیه می‌کردند. گروهی دیگر در نام خدا تصرف کردند و نام بت‌ها را به نام خدایان می‌بردند. و برخی دیگر از بردن نامش خودداری می‌ورزیدند، پس خدای متعال به‌وسیله‌ی پیامبر گرامی، مردم را از گمراهی درآورد و از کژی و جهالت رهانید و به‌راستی و درستی رهنمون ساخت.

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[3]](#footnote-3) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# ماه رمضان، فرصتی معنوی و زودگذر

فرصت‌ها زودگذرند و چه‌بسا تکرارناپذیر. پس باید از این لحظه‌ها استفاده بهینه کرد. ماه مبارک رمضان، یکی از این فرصت‌هاست که هرسال، فقط یک‌بار رخ می‌دهد. آنان که به تکرار فرصت‌ها اطمینان ندارند، نه‌تنها مراقب چنین فرصتی هستند، بلکه از چنین فرصتی بیشترین بهره را می‌برند؛ زیرا می‌دانند شاید این فرصت دیگر تکرار نشود و درنتیجه، برای همیشه به اندوه و حسرت گرفتار آیند. ماه رمضان، یکی از آن نسیم‌های ربانی است که چون می‌وزد، باید خود را در معرض آن قرارداد.

از ویژگی‌های ماه مبارک رمضان، کیمیاگری این ماه است. در این ماه، افزون بر آنکه ثواب عبادت‌ها چند برابر به روزه‌دار بازمی‌گردند، اعمال عادی و روزمره شخص روزه‌دار، رنگ عبادت می‌گیرد. ماه رمضان، از خواب بنده عبادت و از نفس‌های او تسبیح می‌سازد. ماه رمضان، ماه فراوانی پاداش‌ها و ریزش موهبت‌هاست؛ گویی در این ماه، معیار پاداش‌ها، عبادت‌ها و نماز و روزه روزه‌دار نیست، بلکه معیار، کرم وجود پروردگار است. آشکار است که هر جا پای جود بی‌حساب پروردگار در میان باشد، اندازه‌ای برای آن نمی‌توان تعیین کرد.

#  شب عید فطر و آمادگی روحی برای روز عید

اعمال و آداب شب عید فطر، برای پیدا کردن آمادگی روحی در ورود به‌روز عید سعید فطر است. در حقیقت، آثار معنوی و روحی اعمال این شب بر جان‌ودل بنده، بیشترین گنجایش را جهت دریافت هدایای معنوی و موهبت‌های ملکوتی در روز عید فطر، می‌بخشد. وقت ظهور آثار اعمال ماه رمضان و اعطای پاداش عبادت آن، روز عید است. بنابراین، هرکس در شب عید، مراقبت بیشتر و بهتری از خود نماید، و در جبران کاستی‌های خویش بکوشد بهره بیشتری از پاداش‌های الهی در روز عید خواهد داشت. و باید دانست که امر عبادت در این شب، بسی مهم است. پس بر مؤمنین، لازم است که در این شب، کوشش خود را افزون‌تر کند، و در عبادت و مراقبت تلاش بیشتری کند؛ چراکه با توجه به شرافتی که این شب دارد، وقت پاداش و آخر کار است و خدمت بیشتر و محکم‌تری می‌طلبد. پس در این شب به ائمه معصومین علیهم‌السلام توسل جوید، و از آن‌ها بخواهد که او را در اصلاح اعمالش یاری نمایند. و در این توسل، سعی کند کاستی‌های خود را برطرف کرده، خود را به کمال برساند.

# ماه بی‌پایان

اگر پیامدهای معنوی رمضان را در غیر این ماه هم حفظ کنیم، گویا ماه پربرکت رمضان پایانی نخواهد داشت. وداع با ماه رمضان، هرگز به معنای وداع با ویژگی‌های ارزشمند این ماه نیست.

# وداع جانکاه

امام سجاد علیه‌السلام در بخشی از دعای وداع ماه رمضان می‌فرماید: اکنون این ماه بعدازآنکه پایانش فرارسید، از ما جدا شد و تنهایمان گذاشت و ما این ماه را وداع می‌کنیم. وداع با این ماه، وداع جانکاه و دشواری است که اهل رمضان را دچار غم و اندوه می‌کند. اهل معنا، در این ماه خیرشان بیشتر شد و کسانی که گرفتار گناه بودند، کمتر به گناه آلوده شدند. پس با ماه مبارکی وداع می‌کنیم که رفتنش برای ما دشوار است و غمگینمان می‌کند. ماهی که ماه رحمت خداوندی بود و هرلحظه‌اش، خیری برای ما به ارمغان می‌آورد.

# واقعه 19 دی، حماسه جاوید

روز نوزدهم دی‌ماه، یادآور حماسه بزرگ و باشکوهی است که‌برگ دیگری از کتاب زرین انقلاب اسلامی را رقم زد. 19 دی سالروز قیام خونین مردم قم است؛ همان روزی که در تاریکی استبداد و ستم روزنه‌ها را به‌سوی روشنایی گشود و روند انقلاب را به‌گونه‌ای شکل داد که طومار دو هزار و پانصدساله نظام شاهنشاهی در مدت‌زمان کوتاهی درهم‌پیچیده شود. این روز بزرگ و به‌یادماندنی را گرامی می‌داریم و بر شهیدان و ایثار گران این حماسه جاوید درود می‌فرستیم.

شهر مقدس قم در تاریخ انقلاب، همواره پایگاه اصلی و سازمان دهنده قیام و مبارزه علیه نظام ستم‌شاهی به شمار می‌رفته است. بی‌شک، وجود حوزه علمیه و روحانیت متمرکز در این شهر نیز در این مهم تأثیر بسزایی داشته است. آغاز مبارزه و شکل‌گیری آن و نیز بیداری مردم با رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) در همین شهر صورت پذیرفت. پس از قیام خونین 15 خرداد سال 1342، نام قم به‌عنوان مرکز اصلی و هدایت‌کننده مبارزات بر سر زبان‌ها افتاد و پس از چهارده سال، قیام 19 دی سال 1356 که آن را جرقه انقلاب نیز نامیده‌اند، بار دیگر به قیامی همگانی و مبارزاتی گسترده انجامید.

غروب روز نوزدهم دی، شفق، سرخ و گلگون بود و فضای شهر پر از غم و غربت شده بود. همه‌جا پر از مأموران شهربانی بود و تظاهرکنندگان پراکنده‌شده بودند. تنها چیزی که در منطقه درگیری به چشم می‌خورد، عبا، عمامه و کفش‌هایی بود که از روحانیان و مردم به‌جامانده و آغشته به خون بود. مردم به خیابان‌های اطراف ریخته بودند و این اشعار را سر می‌دادند: از جان خود گذشتیم، با خون خود نوشتیم، یا مرگ یا خمینی. این اشعار زیبا در پایان آن روز غم‌انگیز، عشق بی‌کران مردم را به رهبر محبوب خویش نشان می‌داد.

# حضور همه اقشار

ویژگی خاص قیام نوزده دی شرکت و همکاری همه اقشار مردم بود. این قیام نیز همچون همیشه با رهبری روحانیت شکل گرفت، اما اگر حمایت و پیوستن مردم به روحانیت نبود، به پیروزی نمی‌رسید. پس‌ازاین که علما دروس حوزه را تعطیل کردند، اقشار مختلف مردم نیز به آنان پیوستند. بازاریان با تعطیل کردن بازار قم، نقش عمده‌ای در اعتراض به اقدامات نظام داشتند. مردم نیز پیرو جوان وارد صحنه مبارزه شدند و در حمایت از امام خمینی (ره) و روحانیت با علما و طلاب همراهی کردند

#  آثار و نتایج قیام 19 دی

با قیام 19 دی، مظلومیت شهدا و حرکت روحانیت و مردم به بار نشست و حرکت ساز شد. پیام حضرت امام (ره)، روح تازه‌ای در کالبد مجروح ملت دمید و انقلاب، آهنگ و شتاب تازه‌ای به خود گرفت. مبارزه علیه رژیم طاغوت، شکل همه‌جانبه‌ای پیدا کرد و خون تازه‌ای در رگ نهضت جوشیدن گرفت. به دنبال قیام 19 دی، نهضت به شهرهای دیگر کشیده شد و حماسه چهلم‌ها شکل گرفت. تبریز، یزد، جهرم، تهران، مشهد و شهرهای دیگر کشور شاهد قیام‌هایی خونین در گرامیداشت شهدا بودند. نخست، مردم تبریز در چهلم شهدای قم به خاک و خون کشیده شدند و پس‌ازآن، شهرهای دیگر به همین ترتیب، شاهد حماسه‌هایی جاوید بودند. حماسه چهلم‌ها، نهضت را به ثمر رساند و با بازگشت امام خمینی (ره) به کشور به پیروزی انقلاب اسلامی انجامید. 19 دی، نقطه عطفی در نهضت اسلامی مردم به رهبری امام خمینی (ره) بود که مشعل انقلاب را شعله‌ور ساخت و پیروزی علیه حکومت طاغوت را به ارمغان آورد

# رسالت نسل نوزده دی

امروز نسل نوزده دی رسالت و وظیفه‌ای بس سنگین و مهم بر دوش دارد. این نسل علاوه بر درک دوران مبارزه و جهاد علیه طاغوت، آفریننده زیباترین جلوه‌های ایثار و فداکاری در هشت سال دفاع مقدس بوده و علاوه بر آن مدیریت و گردش امور اجرائی نظام را از آغازین روزهای پیدایش حکومت اسلامی بر عهده داشته است. انتقال روحیه و انگیزه‌های مبارزاتی و اعتقادی که باعث آفرینش قیام 19 دی و پیروزی انقلاب گردید، به نسل امروز و جوانان نسل سوم، اصلی‌ترین و مهم‌ترین وظیفه نسل 19 دی هست. بی‌شک بقای آینده نظام اسلامی درگرو انتقال تاریخ پرشکوه گذشته انقلاب به نسل آینده است.

# دعا

خدایا قلب‌های ما را به نور ایمان و معرفت خودت منور بفرما. خدایا ما را از وسوسه‌های شیطان دور بدار. به ما توفیق تهذیب نفس و تکمیل اخلاق عنایت بفرما. خدایا ما را همواره متذکر مرگ و عوالم پس از مرگ بدار خدایا سلام‌های خالصانه ما را به محضر بقیه‌الله ابلاغ بفرما ارواح طیبه شهدا را و روح مطهر امام روح مطهر آیت‌الله مطهری یادگار امام و اموات و گذشتگان و علمای گذشته را با اولیای خودت محشور بفرما باران رحمت و برکتت را بر ما فرو بفرست و...

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. . حشر، آیه 18. [↑](#footnote-ref-2)
3. . آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-3)